



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت هفته وحدت - 19 / مهر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا از همهمی شما آقایان و خواهران محترم که از نقاط مختلف تشریف آوردید، مخصوصاً از آقایان علمای اعلام و ائمه‌ی محترم جمعه و خانواده‌های معظم شهیدان و جانبازان و اسرا، صمیمانه تشکر می‌کنم و توفیق همهمی شما برادران و خواهران را از خداوند مسألت می‌نمایم.

مسأله‌ی بی که لازم است در آستانه‌ی هفته‌ی وحدت به همهمی ملت ایران و همچنین به مسلمانان عالم عرض کنم، اهمیت وحدت بین مسلمین و ارتباط برادرانه میان برادران مسلمان در همه جا و در همهمی شرایط است. در ابتدا باید معلوم کنیم که مقصود ما از وحدت مسلمانان چیست؟ آیا مقصود این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند و عمل نمایند؟ نه، مقصود این نیست. ما وقتی به وحدت دعوت می‌کنیم، مقصود ما این نیست که فرق مسلمین - اعم از شیعه و سنی - یا فرقی که داخل تشیع و تسنن هستند، موظف و مجبورند که از عقیده‌ی خود دست بردارند و به عقیده‌ی سومی یا به عقیده‌ی طرف مقابل، گرایش پیدا کنند. این، چیزی است که به تحقیق و تفحص و مطالعه‌ی هر کسی وابسته است و بینه و بین‌الله تکلیف اوست. بحث ما این نیست.

بحث ما این است که می‌خواهیم به همهمی مسلمانان - از شیعه و سنی - بگوییم و تذکر بدهیم که شما یک نقاط مشترک و یک نقاط اختلاف و افتراق دارید. در بعضی چیزها، با هم شریکید و یک طور فکر و عمل می‌کنید و در بعضی چیزها، هر فرقه روش خود را دارد.

نکته این است که اولاً، آن نقاط اشتراک بیشتر از نقاط افتراق است. یعنی همهمی مسلمین، به خدای واحد و قبله‌ی واحد و پیامبر واحد و احکام و نماز و روزه و زکات و حج اعتقاد دارند. شما دو نفر مسلمان را پیدا نمی‌کنید که وقتی صبح می‌شود، برای نماز بلند نشود؛ مگر این که بخواهد به تکلیفش عمل نکند، والا همهمی مسلمین عالم معتقدند که صبح و ظهر و عصر و شب، باید نماز خواند و مستحب است که در نیمه‌ی شب، نماز شب بجا آورد. همهمی مسلمین عالم معتقدند که نماز را باید به طرف کعبه و به زبان قرآن و از آیات قرآن خواند. همهمی مسلمین عالم، ماه رمضان که فرا می‌رسد، آن وقتی که فهمیدند روز اول ماه است، روزه می‌گیرند؛ مگر کسی که نخواهد به تکلیفش عمل کند و بخواهد فسق کند، والا همهمی مسلمین عالم به این امور اعتقاد دارند.

هم اکنون بیش از یک میلیارد نفر مسلمان در نقاط مختلف عالم زندگی می‌کنند که نقطه‌ی تراکم آنها، همین منطقه‌ی بین شرق و غرب است که از لحاظ استراتژیکی و موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقلیمی و آب و هوایی، حساسترین مناطق عالم دست اینهاست. قدیمیترین تمدنها و عمیقترین فرهنگها، در همین منطقه‌ی بوده که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند. آن وقتی که دیگر مردم در وحشیگری بودند، همین مردم مسلمان بودند که دنیا را با علم و معرفتشان اداره می‌کردند. مسلمانان، جمعیتی متشکل و منسجم هستند، کشورهايشان نزدیک به هم است، ملتها از لحاظ فرهنگ به هم متقارند و در تمام نقاط دنیا کسانی را از خود دارند که همهمی آنها مسلمانند.

ما می‌گوییم: ای مسلمانان عالم! در هر جای دنیا که هستید، اگر با هم دشمنی نکنید، علیه هم مبارزه و جنگ نکنید و دشمنان و دوستانتان را بشناسید، وضع زندگی شما با آنچه که امروز است، تفاوت خواهد کرد. امروز، دچار تشتت و ضعف و عقب‌ماندگی هستید. کشورهای اسلامی - غالباً یا عموماً - فقیر و وابسته و اسیرند. دشمنان اسلام می‌خواهند اسلام را از میان کشورهای اسلامی بزور بیرون برانند. قلب آحاد مردم مسلمان، با اسلام و خداست. آنها به اسلام علاقه‌مندند. سیاستها و قدرتهاي بزرگ جهانی سعی می‌کنند به وسیله‌ی دولتهاي دست‌نشانده، مردم را از اسلام دور نمایند. اگر شما با هم باشید و با هم دعوا نکنید و نیروی خود را - که عنصر عظیمی است و برای بهتر



کردن دین و دنیاتان، می‌شود از آن استفاده کنید - علیه یکدیگر مصرف نکنید، اهداف پلید دشمن محقق نخواهد شد.

ما نمی‌گوییم که سنی‌های عالم بیایند شیعه بشوند، یا شیعه‌های عالم دست از عقیده‌شان بردارند. البته، اگر یک سنی یا هر کسی تحقیق و تفحص کرد، عقیده‌اش هر چه شد، باید بر طبق عقیده و تحقیق خودش عمل کند. تکلیف او با خدایش است. حرف ما در هفته‌ی وحدت و به عنوان پیام وحدت این است که مسلمانان بیایند با هم متحد بشوند و با یکدیگر دشمنی نکنند. محور هم کتاب خدا و سنت نبی اکرم (صلي الله عليه واله وسلم) و شریعت اسلامی باشد. این حرف، حرف بدی نیست. این حرف، حرفی است که هر عاقل بی‌غرض و منصفی، آن را قبول خواهد کرد. از سالها قبل از انقلاب که این حرف به صورت رقیقی گفته می‌شد، دستگاه‌های وابسته به استکبار جهانی، با آن مخالفت کردند. از وقتی که انقلاب اسلامی پیروز شد، مستکبران عالم فهمیدند که اگر این حرف - یعنی اتحاد مسلمین - پا بگیرد، مسلمانان به پایگاه و مرکز و کانون و ام‌القراي اسلام - یعنی ایران اسلامی - متوجه خواهند شد. لذا از اول پیروزی انقلاب، پول‌های زیادی از طرف دولتهای مرتجع و وابستگان به استکبار، برای ایجاد اختلاف خرج می‌شود. در کشورهای مختلف، اعم از کشورهای عربی یا اردوزبان و یا حتی در خود کشور اسلامی، به طرق نامرئی و با دستهای پنهان، می‌خواهند نگذارند این وحدتی که پیام انقلاب و اسلام است، پا بگیرد. ما می‌گوییم این وحدت را باید مهم شمرد. حرف ما این است.

البته، بعضی در بیان مطلب اشتباه می‌کنند. وقتی که آنها این حرفها را می‌زنند، شاید خیلی هم ساده نباشد. وقتی می‌خواهند وحدت اسلامی را بیان کنند، می‌گویند که در صدر اسلام، نه شیعه و نه سنی بود؛ پس شیعه و سنی غلط است! نه، این حرف نادرست و سستی است. بحث سر این نیست که در صدر اسلام، آیا شیعه و سنی وجود داشت یا نه. بالاخره بعد از پیامبر، آرای مسلمین متفاوت شد. یک عده در مسأله‌ی امامت نظری داشتند و عده‌ی نظر متفاوت دیگری داشتند. بعضی منبع احکام الهی را یک چیز و بعضی چیز دیگری دانستند. بنابراین، در اصول و فروع، از همان اول اختلافاتی بین مسلمانان به وجود آمد. این که ما بگوییم در صدر اسلام، نه شیعه و نه سنی بود، حرف غلطی است. امروز این حرف، در حقیقت به معنای نفی کردن و از بین بردن معارف و فقه و محصول فرهنگی همه‌ی فرق مسلمین است. روی هر چه دست بگذارند، می‌گویند در صدر اسلام نبوده، پس این غلط است! این، خودش حرفی شبیه توطئه است.

اوایل انقلاب، در ایران هم بعضی آدم‌های کج‌سلیقه یا واقعا سوء نیت‌دار بودند که از این حرفها می‌زدند. حالا هم در دنیا، بعضی آدم‌هایی که اصلا چیزی از اسلام سرشان نمی‌شود، از این حرفها می‌زنند. ما آن مطالب را نمی‌گوییم؛ ما می‌گوییم بالاخره این دو جریان عمده - یعنی تسنن و تشیع - وجود دارد که جریان عمل به فقه اسلام از طریق اهل بیت، تشیع است و جریان عمل به شریعت اسلام از غیر طریق اهل بیت، برادران اهل تسنن پیرو آن هستند. البته، آنها هم اهل بیت را قبول دارند، منتها مثل ما انتهای سلسله را اهل بیت نمی‌دانند؛ بلکه آنها را به عنوان راوی‌ی که ممکن است سخنی را از پیامبر نقل بکند، ملاک قرار می‌دهند. ما این‌طور معتقد نیستیم. ما هر چه را که اهل بیت رسول اکرم فرمودند، آن را حکم خدا و مثل بیان پیامبر (ص) می‌دانیم. ما آنها را معصوم می‌دانیم. حالا هر کسی مبنایی دارد. ما می‌گوییم این دو جریان که از اوایل اسلام و بعد از رحلت پیامبر (ص) بودند و تا حالا هم هستند، هر کدام زندگی خود را بکنند و با هم دشمنی نکنند.

امروز، پول‌های نفت برای نوشتن کتاب ضد شیعه مصرف می‌شود. دلارهای امریکایی برای رد تشیع به کار می‌رود و به زبان عربی و اردو کتاب نوشته و ترجمه می‌شود. اینها، دستهای شیطانند. اینها، انسان‌های سالمی نیستند که این چیزها را می‌نویسند. هر جا باشند، همین‌طورند.

ما می‌گوییم امروز نباید آتش افروزی کرد. هر کسی عقیده‌ی خود را داشته باشد و آن را اثبات هم بکند. ما



نمی‌گوییم وقتی گویندگان مذاهب مختلف اسلامی، بر منابر خود قرار می‌گیرند، استدلال نکنند و عقیده‌ی خود را اثبات نمایند. نه، استدلال و اثبات بکنند، اما اثبات عقیده بحثی است و دشمنی کردن با طرف مقابل و همصدا شدن با استکبار جهانی و نیروها را صرف جنگ داخلی بین مسلمین کردن، بحث دیگری است.

لذا یکی از پیامهای عمده‌ی انقلاب ما، وحدت مسلمین است. ما در همه‌جای دنیای اسلام، این حرف را می‌زنیم و به کسانی که در کشورهای مختلف، همه‌ی همتشان را برای مقابله با انقلاب اسلامی و وارد آوردن تهمت و بستن دروغ به آن یا به رهبر فقید الشان انقلاب یا نقد آرای ملت مسلمانی که در این‌جا با همه‌ی وجودشان، در راه خدا و اسلام مخلصانه مبارزه می‌کنند، گذاشتند؛ نصیحت می‌کنیم.

در همان روزهای جنگ تحمیلی که ملت ما با همه‌ی وجود، فشار امریکا و استکبار را حس می‌کرد و آن را تحمل می‌نمود و زیربار تحمیل امریکا نمی‌رفت، یک عده قلمها و دستها و حنجره‌های مزدور در دنیا پیدا شدند و شروع به مناقشه و خدشه و اهانت به آراء و عقاید این ملت شجاع و مبارز و قهرمان و ایثارگر و فدایی راه خدا و اسلام کردند. ما می‌گوییم این حنجره‌های ناسالمی که امروز در دنیا علیه انقلاب اسلامی و ملت ایران و مذهب و راه آنها کار می‌کنند و شعار می‌دهند و حرف می‌زنند، مزدورند.

البته، ما یکجانبه حرف نمی‌زنیم. ما به همه‌ی مسلمین عالم - هم سنی و هم شیعه - این سفارش را می‌کنیم. داخل کشور خودمان، برادران شیعه و سنی را در کنار هم در نماز جماعت و صحنه‌ی خونین جنگ و عرصه‌ی مبارزات سیاسی و حضور در صحنه‌های گوناگون انقلاب و در انتخابات و در مجلس شورای اسلامی و در همه‌جا، با یکدیگر دیدیم و می‌بینیم و هستند. آنها با هم مهربانند و مشکلی هم ندارند.

ما به همه می‌گوییم که احترام یکدیگر را حفظ بکنند و به عقاید و مقدسات هم اهانت نکنند. اگر کسی به بهانه‌ی عقیده‌ی بخواهد به مقدسات دیگران اهانت بکند، از نظر ما به هیچ وجه قابل دفاع نیست. محبت، طرفینی است. بایستی همه با هم کمک کنند تا محبت به وجود آید و دشمن نتواند سوء استفاده بکند؛ دشمنی که نه با شیعه رابطه‌ی خوبی دارد و نه با سنی، بلکه با اصل اسلام مخالف است و نسبت به آن کینه می‌ورزد. همان اسلامی که سنی یا شیعه دارد، مبعوض امریکا و مرتجعان است. اختلافات داخلی را برای آن زمانی بگذاریم که از طرف هیچ دشمن جهانی تهدید نشویم. اگر چنین روزی پیش آمد، آن وقت مقابل هم بنشینند و سنگهایشان را با هم حک کنند. امروز، وقت این حرفها نیست.

لذا من توصیه می‌کنم هفته‌ی وحدت را - که به مناسبت میلاد نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از روز دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول ادامه دارد - همه‌ی آحاد مردم، مخصوصا علما و فضلا و گویندگان و دانشمندان و افراد صاحب نفوذ گرامی بدارند و این مسأله را به عنوان یک شعار جمهوری اسلامی همیشه نگه دارند.

امروز، این کشورهای مرتجع منطقه، بدطوری به شعارهای تفرقه‌افکن و اختلاف‌انگیز چسبیده‌اند. اگر ملت ما در مراسم حج، علیه امریکا و اسرائیل شعار بدهد، آنها اعتراض می‌کنند و می‌گویند چرا شما در بین مسلمین حرف جدیدی آورده‌اید؟! این را تفرقه تلقی می‌کنند؛ در حالی که ایجاد تفرقه نیست، بلکه انجام وظیفه است. مسلمانان دیگر هم باید شعار دادن علیه امریکا و اسرائیل را از ملت ایران یاد بگیرند.

پولها، قلمها، امکانات، بلندگوها و عناصر مزدور پست کشورهای مرتجع، مرتب علیه انقلاب و ایران اسلامی و ملت فداکار عمل می‌کنند. این، تفرقه و ایجاد شکاف و اختلاف است. لعنت خدا بر آن دستهایی که به این ترتیب بین مسلمین ایجاد شکاف و اختلاف می‌کنند. ما به همه‌ی مسلمانان و متن ملتها این توصیه را داریم و به ملت برادرمان پاکستان هم مؤکدا این سفارش را می‌کنیم که نگذارند بعضی از روحانی‌نماها و وعاظ وابسته به دربارها و استکبار جهانی، با طرح شعارهای تفرقه‌انگیز که بعضا مشاهده می‌شود، بین برادران اختلاف بیندازند.

جامعه‌ی تشیع در پاکستان، جامعه‌ی مظلوم و بسیار نجیبی است. آنها در جهت تفرقه حرکت نمی‌کنند. رهبران‌شان،



آنها را به برادری اسلامی توصیه می‌کنند. خداوند شهید بزرگوار مرحوم سید عارف حسین را رحمت کند که در طول مدت مجاهدت و فداکاریش، همیشه مردم را به وحدت و متحد شدن در مقابل استکبار جهانی دعوت می‌کرد و سرانجام، استکبار با ایادی مرموز و پنهانش او را به شهادت رساند. ما از حرکتی که برای محاکمه‌ی متهمان به قتل آن شهید عزیز انجام می‌گیرد، قویا حمایت می‌کنیم. باید مسأله دنبال بشود و معلوم گردد که چه دستهای مرموز و مزدوری، این سید بزرگوار را به شهادت رساندند. این، حق مردم پاکستان است.

وحدت را مهم بشمارید و هفته‌ی وحدت را یک هفته‌ی حقیقتا پر محتوا و پر مغز قرار بدهید. در امور دیگر هم، ما این مسأله‌ی وحدت را مورد تأیید و به‌عنوان یک اصل اسلامی و انقلابی، مورد تأکید قرار می‌دهیم. وقتی می‌گوییم بین برادران شیعه و سنی و مذاهب مختلف اسلامی، برای هدفهای اسلامی اتحاد باشد، پس به طریق اولی، قشرهای مختلف مردم فداکار و مبارز ایران، اهل هر شهر و استانی، متکلمان با هر زبان و لهجه‌ی هستند، موظفند وحدت را حفظ کنند.

مبادا دستهای تفرقه‌افکن و مغرض و یا نادان - که گاهی ضرر آدمهای نادان از آدمهای مغرض کمتر نیست - با حرف و شعار و نطقی، ایجاد اختلاف کنند. مغرض و جاهل، در نتیجه‌ی عمل یکسانند. همه - مخصوصا کسانی که زبان و حنجره‌شان برای گفتن و حرف زدن باز است - مراقب باشند با هیچ حرکت و اشاره‌ی، موجب اختلاف بین مردم نشوند. همه باید وحدت را بر محور اصول انقلاب و جریان صحیح نظام اسلامی و ولایت فقیه حفظ کنند. این، اساس قضیه است. اگر وحدت با انسجام و استحکامی که تا کنون بوده است، محفوظ بماند، مطمئنا این ملت و کشور به هدفهای انقلاب خواهد رسید.

یک مطلب را هم برای برادران محترم عقیدتی، سیاسی ارتش - چه برادران روحانی و علمایی که در عقیدتی، سیاسی هستند و چه غیر معلمان نظامی و غیر نظامی‌یی که با آنها همکاری می‌کنند - مطرح می‌کنم و آن این است که نیروهای مسلح، اگر چه برای استحکام خود، به اسلحه و تجهیزات و آموزش و نیروی انسانی و امثال اینها احتیاج دارند، اما آن چیزی که ارتش اسلامی را از همه‌ی ارتشهای دیگر متمایز می‌کند، عبارت است از ایمان به خدا و تعبد در مقابل فرمان الهی و احساس این که جنگشان جهاد فی‌سبیل‌الله است. این، آن عامل اصلی است که اگر آن را جدا کنیم، لشکر اسلامی هم مثل بقیه‌ی ملتها و لشکرهای کشورهای دیگر، چیزی در عداد آنها خواهد شد. یعنی اگر اسلحه و تجهیزات و نفرات و نیرو و استعداد بالا داشت، ممکن است بتواند مقاومت کند؛ و الا اگر تعداد طرف مقابل، یک خرده بیشتر و یا تجهیزاتشان پیشرفته‌تر بود، مجالی برای تحرك اینها نخواهد داد.

شما می‌دانید که امروز دشمنان اسلام از لحاظ عده و عده و امور مادی، از کسانی که در خدمت اسلام و پشتیبان اسلامند، قوی‌ترند. این در صورتی است که ما آن ایمان را حذف کنیم؛ اما اگر عامل ایمان مورد ملاحظه قرار بگیرد و ارتش و نیروی مسلح اسلامی - اعم از ارتش و سپاه - به ایمان مجهز بشود و با اتکالی به خدا و برای جهاد فی‌سبیل‌الله و انجام تکلیف عمل بکند، هیچ قدرتی در دنیا، با هر تجهیزاتی که داشته باشد، نخواهد توانست در مقابل او مقاومت کند. این باور را باید در میان نیروهای مسلح به وجود آورد؛ و الا تجهیزات چیزی نیست که در میدان آن بتوانیم با قدرتهای بزرگ جهانی رقابت کنیم؛ زیرا آنها از لحاظ تجهیزات و نیروی انسانی، سالها از ما جلوترند.

عامل ایمان در اختیار ماست؛ باید آن را به نیروی رزمنده تزریق کرد. هر جا که ما پیش رفتیم، با این نیرو پیش رفتیم و هر جا که شکست خوردیم، این نیرو در ما ضعیف شده بود. اگر بروید عملیات را تحلیل کنید، به همین نقطه خواهید رسید. آن جایی که دلها به شعله‌ی ایمان مشتعل بوده است، ما از همه‌ی سدها و مانعها گذشتیم و جلو رفتیم و آن جایی که گرایش به مادیات و ظواهر و بی‌رغبتی به صواب الهی و بی‌توجهی به تکلیف شرعی، نیتهای ما را مختصری مشوب و مخدوش کرده است، همان جا ضربه خوردیم و شکست را پذیرفتیم.



این جنگ تحمیلی هشت ساله، صفحه‌ی عجیبی برای تجربه‌ی این واقعیت است. این را باید تقویت کرد. این، در ارتش جمهوری اسلامی، به وسیله‌ی همین واحدهای عقیدتی، سیاسی قابل تأمین است. البته، آقایان توجه بفرمایید که با عمل و زبان - هر دو - باید تبلیغ کرد و اخلاص را باید مشعل راه قرار داد و به وسیله‌ی رفتار، دلها را به صدق گفتار معتقد کرد؛ و الا اگر رفتار خوب در کنار گفتار خوب نباشد، صدق گفتار خوب برای مخاطب ثابت نخواهد شد و آن تأثیری که ما به آن نیاز داریم، به وقوع نخواهد پیوست.

امیدوارم که خداوند متعال به همه‌ی شما برادران و خواهران محترم، در هر قسمتی که هستید و به هر وظیفه‌ی که اشتغال دارید و در هر نقطه‌ی از نقاط کشور که زندگی می‌کنید، لطف و فضل و توفیق خود را عنایت کند و قلب مقدس ولی‌عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی و خشنود نماید و ان شاء الله ما را به انجام تکلیف و وظیفه‌ی الهی خود موفق بدارد.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته